



بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی زیارت

مرقد مطهر رضوی

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

محمدرضا آرام^۱

چکیده

بارگاه مقدس رضوی هرچند خود منشأ ظهور فرهنگ رضوی و نیز استمرار فرهنگ مودت اهل بیت (علیهم السلام) است و در در مقاطع حساس تاریخ، جولانگاه حرکت‌های مذهبی بسیار موثر در ثبات و همچنین گسترش فرهنگ شیعه بوده است، لیکن عظمت و شأن این بارگاه چنانکه شایسته است، رعایت نشده است. در این میان، آنچه بیش از همه مشهود است، ضعف آموزش‌های فرهنگی و آداب زیارت حرم حضرات معصومین (علیهم السلام) است. همه ساله خیل مشتاقان زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) فرصت بسیار مغتنمی را در اختیار مسئولان و متولیان فرهنگی کشور قرار می‌دهد که از طرفی عشق و محبت شیعیان زمینه بسیار مساعدی برای فرهنگ‌پذیری ناب قرآنی و اهل بیته ایجاد می‌کند که توجه، برنامه ریزی و آموزش‌های لازم، موجب رشد و تعالی فرهنگی و خشنودی اهل بیت (علیهم السلام) و کسب رضایت و توفیق الهی است؛ و از طرف دیگر غفلت از این امر بسیار مهم، تزییع حق اولیاءالله و بی‌احترامی به ساحت قدسی این بزرگواران، موجب محرومیت از فلاح و عدم بهره‌مندی از توفیقات الهی می‌شود.

این پژوهش با استناد به آیات قرآن و تشریحات معصومین (علیهم السلام) و به روش تحلیلی، در مرحله اول درصدد تبیین ضرورت شناخت امام معصوم (علیه السلام) و نیاز جدی به ارائه آموزش‌های معرفت‌افزا نسبت به مقام اهل بیت (علیهم السلام) و نیز بررسی وجوه مختلف مردم‌شناسی زیارت و تأثیر آن بر فرهنگ عمومی و انسجام اجتماعی است و به صورت خاص، لزوم توجه شایسته به «بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی» و رعایت آداب زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فضایل اهل بیت (علیهم السلام)، ضرورت معرفت امام رضا (علیه السلام)،

مهندسی فرهنگی و زیارت، مردم‌شناسی زیارت، بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: moh.aram@iauctb.ac.ir

مقدمه

یکی از روایات ناظر به مقام و جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) «حدیث ثقلین» است که از راویان متعدد در منابع معتبر شیعه و سنی، از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است. بر اساس حدیث متواتر ثقلین (کلینی، ۱۳۶۲، ق، ج ۱: ۲۹۴) قرآن به معصوم دعوت می‌کند و معصوم به قرآن. در حقیقت، این روایت به‌صراحت تأکید بر این دارد که معیت قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام) یک معیت ذاتی است نه عرضی. این حدیث غیر از تأکیدی که بر جداناپذیری این دو حقیقت دارد، بیانگر این نکته است که قرآن کریم و معصوم یک حقیقت وجودی هستند و به‌همین دلیل تفکیک این دو امانت عظیم‌الشان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از یکدیگر ناشدنی است و تمسک به هر کدام از این دو حقیقت بدون دیگری، ره به‌جایی نمی‌برد و هر یک از این دو ثقل، دیگری را تفسیر می‌کند. امام موسی بن جعفر (علیهما‌السلام) می‌فرماید: «معصوم شخصی است که به واسطهٔ چنگ زدنش به ریسمان الهی و جدا نشدنش از آن، هرگز به گناهی آلوده نگردد، و آن دو تا روز قیامت از یکدیگر جدا نشوند و تا رستاخیز امام هدایت می‌کند به قرآن و قرآن راهنمایی می‌کند به امام، و این است فرمودهٔ خدا «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۳۲).

این بدان معناست که همان‌طور که قرآن کریم همه مردم را به امام معصوم دعوت می‌کند (نساء/ ۵۹) از طرف دیگر معصوم هم مردم را به قرآن دعوت می‌کند (نساء/ ۸۲). به‌عبارت دیگر، امام حقیقت جمعی کلام‌الله و قرآن حقیقت مکتوب امام است و بدین سبب است که این دو ثقل هرگز از هم جدا نمی‌شوند.

اهل بیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نشانه‌های خدا و راهنمایان و حجت‌ها و جانشینان و امینان و پیشوایان از طرف او هستند. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ما زالت الارض الا و لله فيها الحجة يعرف الحلال والحرام و يدعوا الناس الى سبيل الله» (کلینی، ۱۳۶۲، ق، ج ۱: ۱۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۹۸۳: ۱۷۸). اما متأسفانه با تمام سفارش‌های مؤکد پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رفتار مسلمانان

به‌گونه‌ای بوده است که قدر و منزلت این دو امانت الهی، آن‌گونه که شایسته آنان است، رعایت نگردید و اگرچه درباره قرآن کریم تا حدودی این حرمت به‌ظاهر نگه داشته می‌شود، اما حریم حرمت امامان معصوم (علیهم‌السلام) هم در حیاتشان و هم در مماتشان بارها مورد تعدی و ظلم قرار گرفت. در این بی‌حرمتی، متأسفانه برخی دوستان جاهل هم ندانسته به‌گونه‌ای، آداب و احترام ایشان را رعایت نکردند و دل‌های مطهر آن عزیزان با اعمال نابخردانه برخی مکدر می‌گردید. همان‌طور که ذات اقدس الهی چنان که شایسته و بایسته است، مورد معرفت و شناخت و تقدیر قرار نگرفته است (وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ) (زمر / ۶۷) ولی‌الله و مرقد شریف ایشان نیز آن‌گونه که شایسته است، مورد تقدیر و تعظیم قرار نمی‌گیرد. با وجود آیات متعدد (احزاب/ ۳۳) و احادیث بی‌شماری که بر فضایل اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و به‌ویژه امام رضا (علیه‌السلام) تأکید می‌کنند، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لا یقاس بآل محمد (ص) من هذه الأمة احد و لا یستوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابدًا» (کسی را با خاندان رسالت نمی‌شود مقایسه کرد و آنان که پرورده نعمت هدایت اهل بیت پیامبرند، با آنان برابر نخواهند بود) (نهج البلاغه، خ ۲، فراز ۱۱). اما به‌دلیل عدم معرفت و شناخت صحیح و شایسته معصومین (علیهم‌السلام)، حرمت آن ذوات قدسی در حرم‌ها و مراقده شریفشان چنان که باید رعایت نمی‌شود. مرقد مطهر رضوی هم از این اتفاق مستثنا نیست، لذا گاهی مصادیقی از عدم رعایت حرمت، در آن مکان مقدس مشاهده می‌شود که منافی آداب ساحت عظیم امام رضا (علیه‌السلام) است. در این میان، هرچند متولیان امور فرهنگی زیارت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) تلاش‌هایی برای بهبودی بایسته‌های فرهنگی زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) انجام داده‌اند، اما شواهد گویای این است که این تلاش‌ها مکفی نبوده و همچنان ضعف مفرط فرهنگی در رعایت آداب زیارت حرم مطهر آن حضرت دیده می‌شود که با آموزه‌های دینی و قرآنی همگون نیست.

بر همین اساس، شیوه توصیفی - تحلیلی مقاله حاضر با رویکرد قرآنی و حدیثی، در تبیین ضرورت معرفت اهل بیت (علیهم‌السلام) به صورت عام، و نیز بیان ارتباط و

نقش آن در تعالی فرهنگ زیارت بارگاه شریف امام رضا (علیه السلام) بر اساس تفسیر آیه شناختی سیاق اول سوره عنکبوت و نیز بررسی نسبت زیارت با مهندسی فرهنگی و بررسی وجوه مختلف مردم‌شناسی زیارت و تأثیر زیارت بر فرهنگ عمومی و کارکرد پالایشی مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) از مباحث بسیار مهم و نوآوری‌های خاص این پژوهش است تا با ارائه ضرورت درک صحیح از مقام و شأن امام رضا (علیه السلام) زیارتی توأم با معرفت انجام شود به گونه‌ای که روح و جسم زائر را برای کسب معارف دینی و قرآنی تأثیرگذار آماده و زمینه ارتقا و رشد فرهنگی زائران در مرقد مطهر رضوی را فراهم کند.

ضرورت شناخت امام

امام‌شناسی یکی از تکالیف بزرگ و مهم اسلامی است. امام علی (علیه السلام) در این خصوص می‌فرمایند: «کمترین چیزی که بنده خدا به واسطه آن گمراه می‌شود، این است که حجت خدا را در زمین نشناسد و به شاهد حق تعالی بر بندگان که خداوند به اطاعت او فرمان داده و دوستی وی را واجب کرده آشنا نباشد.» (قمی، ۱۴۱۴ق: ۳۹).

بر اساس این وظیفه شرعی و مسئولیت خطیر دینی، هر مسلمانی وظیفه دارد پس از معرفت خدای متعال و پیامبرش، وصی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام و رهبر دینی و آسمانی خویش را بشناسد. آنچه از مضمون احادیث و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) به دست می‌آید، بر ضرورت شناخت و معرفت هر چه بیشتر و کامل‌تر نسبت به امام معصوم (علیه السلام) تأکید و تکیه دارد و این امر مهم، چندان دارای اهمیت و اعتبار است که عدم شناخت امام موجب فساد جامعه و گمراهی و زوال و انحراف امت اسلام می‌شود، تا آنجاکه امام صادق (علیه السلام) راز صلاح و اصلاح زمین و اهل آن را در ارتباط و وابسته به وجود امام معصوم دانسته و نخستین و مهم‌ترین نیاز هر مسلمانی را معرفت و شناخت امام و رهبر دینی بیان می‌فرماید:

«انَّ الْأَرْضَ لَا تُصَلِّحُ إِلَّا بِإِمَامٍ وَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» (برقی، ۱۳۷۱ ق: ۱۵۴).

مفهوم‌شناسی معرفت و سطوح شناخت و معرفت به امام معصوم (علیه‌السلام)

شناخت امام گاهی شناخت شناسنامه‌ای است؛ مثل دانستن نام، لقب، تاریخ تولد، آغاز و مدت امامت و... این شناخت اگرچه تا اندازه‌ای لازم است، اما کافی نیست. آنچه حقیقت شناخت و معرفت امام را تأمین می‌کند، نه فقط شناخت امام به نام و عنوان و حَسَب بلکه معرفت او به امامت و ویژگی‌های آن است. امام صادق (علیه‌السلام) در جواب شخصی که پرسید معرفت به حق امام چیست؟ فرمودند: «يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُقْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ» یعنی بدانند او امامی است که اطاعتش از طرف خدا واجب است، او غریب‌نشینی است که شاهد و ناظر بر اعمال است. (حرعاملی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱۴: ۵۵۴).

معصوم، انسان کامل و «قرآن مجسم» است و قرآن «انسان کامل مُدَوَّن». لذا اگر بخواهیم قرآن را به صورت عینی در خارج مشاهده کنیم و - به عبارت دیگر - اگر قرآن بخواهد شکل و شمایل پیدا کند، می‌شود «معصوم و انسان کامل» و اگر انسان کامل به صورت مکتوب به نگارش دربیاید، می‌شود «قرآن». لذا هر دو مقارن همدیگر هستند و هر کدام بیانگر دیگری. چنان‌که امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «انا القرآن الناطق» (من قرآن ناطق هستم) (مجلسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳۹: ۲۷۲، ح ۵) یا فرمودند: «انا كلام الله الناطق» (من کلام ناطق خدا هستم) (همان، ج ۷۹: ۱۹۹). به عبارت دیگر، قرآن کریم تفسیر علمی معصوم و امام تفسیر انسانی حقیقت قرآن است. این بدان معناست که همان‌طور که قرآن کریم همه مردم را به امام معصوم دعوت می‌کند، از طرف دیگر معصوم هم مردم را به قرآن دعوت می‌کند. بر اساس حدیثی، معصوم قطب و باطن قرآن است و جایگاه قرآن هم نسبت به معصوم تفسیر انسانی است. لذا، با توجه به این مقدمه و با تکیه بر حدیث دیگری که

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند که آیات قرآن دارای بطون هفت‌گانه یا هفتادگانه است، درک و معرفت نسبت به جایگاه معصوم در قرآن تا حدودی قابل درک است و این معیت قرآن و معصوم، نشانگر این است که اگر قرار بود قرآن به هیئت انسانی ظهور کند، بدون شک به شکل معصومین (علیهم‌السلام) تجلی می‌یافت و اگر قرار بود معصومین (علیهم‌السلام) به شکل صامت و کتاب ظهور کنند، قطعاً به شکل قرآن جلوه می‌نمودند. از همین رو، در سیره معصومین (علیهم‌السلام) می‌توان جلوه‌های تجلی قرآن کریم را به نظاره نشست. به عبارت دیگر، امام حقیقت جمعی کلام‌الله و قرآن حقیقت مکتوب امام است و بدین سبب است که این دو ثقل هرگز از هم جدا نمی‌شوند.

بنابراین، آن کس که امام را به‌عنوان ولی خدا، خلیفه خدا، انسان کامل معصوم و آن‌که اطاعتش از سوی خداوند واجب شمرده شده است، بشناسد و بداند که امام، زنده و حاضر است و اعمال ما را می‌بیند و در قیامت صاحب مقام شفاعت است، از برکات و آثار بی‌نظیر معرفت امام بهره‌مند می‌شود و به کمال زندگی عاقلانه می‌رسد و از نقصان مرگ جاهلی می‌رهد.

شناخت و معرفت نسبت به ائمه (علیهم‌السلام) دو لایه و یا به تعبیری دو سطح دارد: معرفت در سطح عام که همان جنبه عقیدتی است و دیگری شناخت و معرفت خاص اهل بیت (علیهم‌السلام) است، با لحاظ ویژگی‌ها و توصیفات که در آیات قرآن کریم و عبارات معصومین (علیهم‌السلام) درباره آن آمده است. لذا شناخت آل محمد (صلی الله علیه و آله) هر زمان و همواره مورد تأکید بوده است.

مشکل امت اسلام پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) معرفت نداشتن به جایگاه قرآن کریم و ارتباط آن با عترت و اهل بیت (علیهم‌السلام) بود. امام مجتبی (علیه‌السلام) نیز از همین ناحیه ضربه خورد و حادثه کربلا هم معلول همین امر بود چنان‌که بسیاری از دشواری‌ها و مسائل و مشکلات امروز جامعه ما هم مستقیماً از عدم شناخت قرآن و ولی زمان نشأت می‌گیرد. مفتاح و گره‌گشای دشواری‌های ما در مسیر

زندگی و بهره‌مندی بیشتر از قرآن و معرفت به اهل بیت (علیهم‌السلام) است. البته و به یقین شناخت اهل بیت (علیهم‌السلام) که کلید همهٔ معارف وحی است، صرفاً با یادگیری نام‌ها، اوصاف، علوم ظاهری و تاریخ زندگی آنها حاصل نمی‌شود و قطعاً یکی از راه‌های کسب معرفت و شناختی که منجر به انس با اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌شود، شناخت اهل بیت (علیهم‌السلام) از لایه‌های درونی و معانی قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) در تفسیر آیات قرآن است و این امر ممکن نمی‌شود مگر به تدبّر در روایاتی که به‌عنوان مکتب و سنت حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در امر اهل بیت (علیهم‌السلام) به دست ما رسیده است زیرا آن حضرت به‌عنوان اسوهٔ حسنه (احزاب، ۲۱) نه تنها آیات نازله در شأن اهل بیت (علیهم‌السلام) را تفسیر و تبیین می‌کردند، بلکه پیروان راستین ایشان نیز در امر اطاعت از عترت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از همدیگر پیشی می‌گرفتند و به‌واسطهٔ آن انس عجیب و عمیقی با روح و جان اهل بیت (علیهم‌السلام) برقرار می‌کردند.

واقعیت این است که هر کس نسبت به شخصیت والای حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت او معرفت پیدا کند و به دریای علوم و معارف و قدرت و ولایت آنان بنگرد به پیروزی بزرگ و سعادت همیشگی نایل آمده و تمام خوبی‌ها نصیب او گشته است. رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تصریح فرموده است: «کسی که خداوند بر او منت گذاشته معرفت و ولایت اهل بیت مرا به او عنایت کند، تمام خوبی‌ها را برای او جمع کرده است.» (طبری آملی، ۱۴۲۰ ق: ۱۷۶).

خداوند معرفت این بزرگواران را ابتدا و انتهای اعمال قرار داده است؛ به این معنا که اعمال همگی، کم یا زیاد، آسان یا سخت در هر مرتبه که باشد و از هر که صادر شود باید با اعتقاد به اهل بیت (علیهم‌السلام) شروع شود و با آن به پایان برسد؛ یعنی اعمال آدمی وقتی آثار با ارزشی به همراه دارد که با اعتقاد به اهل بیت (علیهم‌السلام) و قبول ولایت آنان همراه باشد. روایات بسیاری بر آنچه گفتیم دلالت می‌کند. از آن جمله، روایتی است که شیخ طوسی در کتاب «امالی» نقل کرده است: «زرعه به امام صادق (علیه‌السلام) عرض کرد: بعد از معرفت پروردگار، کدام

عمل از میان اعمال برتر است؟ حضرت فرمودند: «هیچ عملی بعد از معرفت همپایه نماز نیست، و بعد از معرفت و نماز هیچ عملی به پایه زکات نمی‌رسد، و بعد از اینها هیچ کاری مانند روزه گرفتن نیست، و بعد از اینها ارزش حج بیش از سایر اعمال است. و ابتدای همه این اعمال معرفت ما و انتهای آن معرفت ما می‌باشد.» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۹۴)

معرفت از مسائل اعتقادی است و این‌گونه مسائل نسبت به اعمال عبادی به منزله روح نسبت به کالبد است، نماز، زکات، زیارت و سایر عبادت‌های عملی، فرع مسائل اعتقادی و اصولی است. به این جهت، اگر اعتقادات انسان صحیح باشد نماز و همچنین سایر اعمال او صحیح است و گرنه ارزش نخواهد داشت و همان‌گونه که توحید شرط صحت اعمال است، اقرار به رسالت و اعتقاد به ولایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز شرط صحیح بودن اعمال است؛ فرمایش امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) شاهد این مطلب است که فرمودند:

«انّ لـلا اله الا الله - شروطا، و انّی و ذرّیتی من شروطها» (همانا برای کلمه توحید یعنی «لا اله الا الله» شرایطی است و من و ذریه من از آن شرایط هستیم) (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۲: ۴۱۵، ح ۳۴۷۹). امام رضا (علیه‌السلام) نیز در ضمن حدیثی خود را از شرایط توحید شمرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۲۵، ح ۲۳؛ طبری آملی، ۱۴۲۰ق: ۲۶۹).

و این گویا به خاطر آن است که همه امور الهی به سوی خاندان وحی فرود آمده و از بیت آنان به آفریدگان می‌رسد. در زیارت امام حسین (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «ارادة الربّ فی مقادیر اموره تهبط الیکم، و تصدر من بیوتکم» (مجلسی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰۱: ۱۵۳). علت آن این است که قلوب این بزرگواران جایگاه مشیت الهی است. وقتی خداوند چیزی را بخواهد آنها می‌خواهند و به خاطر آنها خداوند گناه بندگان را محو، بلا را بر طرف و رحمت خود را بر آنان نازل می‌کند. محمدبن مسلم گوید: از امام صادق (علیه‌السلام) شنیدم که فرمود:

خداوند را خلقی است از رحمتش، ایشان را از نور و رحمت خود خلق کرده تا رحمت او را ظاهر کنند. آنها دیده‌بینای الهی و گوش شنوای پروردگار و زبان گویای او در میان مردمان و امین او هستند بر آنچه نازل کرده است از عذر یا هشدار یا برهان؛ به‌خاطر آنها گناه‌بندگان را آمرزیده و ظلم را برطرف کرده و رحمتش را نازل می‌کند. به‌سبب ایشان مرده را زنده می‌کند و زنده را می‌میراند و به‌وسیله آنان آفریدگانش را امتحان کرده و امورش را در میان بندگان اجرا می‌کند. عرض کردم: فدای تو کردم، آنها کیستند؟ فرمود: اوصیاء (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱۶۷، ح ۱).

علامه مجلسی ضمن یک حدیث طولانی در توصیف مناقب و معرفت نورانیه امیر المومنین (علیه السلام) چنین نقل می‌کند: «ای سلمان و ای جنذب! این است پاسخ شما که از معرفت من به نورانیت پرسش نموده‌اید، آن را حفظ کنید و نگهدارید که باعث رشد و کمال است و همانا هیچ یک از شیعیان ما به حد بصیرت نمی‌رسند تا مرا به نورانیت بشناسند، و وقتی چنین معرفتی پیدا کردند، به حد بصیرت و بلوغ و کمال رسیده و در میان دریایی از علم فرو رفته و درجه‌ای از فضل و برتری را پیموده‌اند و بر سری از اسرار پروردگار و گنجینه‌های پوشیده‌ای او آگاهی یافته‌اند.» (مجلسی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۶: ۱۷، ح ۱).

دیلمی در کتاب «ارشاد القلوب» روایتی از سلمان فارسی نقل می‌کند که گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) به من فرمود: «ای سلمان، بدا به حال کسی که ما را آن طوری که سزاوار آن هستیم نشناسد و فضل و برتری ما را انکار کند. امام فرمود: ای سلمان، کسی که در شؤون ما و علوم ما شک کند، مثل کسی است که معرفت ما و حقوق ما را مسخره کرده در حالی که خداوند ولایت ما را در کتابش در چند جا واجب کرده و آنچه را که عمل کردن به آن واجب است بیان نموده و آن روشن و واضح است.» (دیلمی، ۱۳۷۷، ج ۲۱: ۴۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۶: ۲۲۱).

امام‌شناسی از منظر امام رضا (علیه‌السلام)

اگرچه درباره ضرورت معرفت امام معصوم سخنان فراوانی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پیشوایان شیعه نقل شده است، اما مطلب مهم در سخنان امام رضا (علیه‌السلام) آن است که هیچ یک از مردم با عقل فردی و خرد جمعی خود به تنهایی قادر به شناخت امام حقیقی نیستند و باید به دنبال منبعی مطمئن برای کسب این معرفت باشند و این منبع فقط خدای متعال است.

لذا در این خصوص، بهترین و جامع‌ترین تعریف از امامت را امام رضا (علیه‌السلام) این‌گونه بیان می‌فرماید: «امامت، قدرش والاتر و شأنش بزرگ‌تر و منزلتش عالی‌تر و مکانش منیع‌تر و عمقش گودتر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند یا به آراءشان آن را دریابند و یا به انتخاب خود امامی منصوب کنند، همانا امامت مقامی است که خدای عزوجل بعد از رتبه نبوت و خلت، در مرتبه سوم به ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) اختصاص داده و به آن فضیلت، مشرفش ساخته و نامش را بلند و استوار نموده و فرموده است: «همانا من تو را امام مردم گردانیدم» (بقره/۱۲۴) (کلینی، ۱۳۶۲ق، ج ۱: ۱۹۹) و به دنبال آن می‌فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَ خِلَافَةُ الرَّسُولِ» (همان: ۲۰۰).

با توجه به اهمیت موضوع معرفت حقیقی نسبت به امام معصوم (همان‌طور که پیش از این بیان شد) یکی از راه‌های ایجاد این شناخت، انس و قرابت یافتن با ائمه هدی (علیهم‌السلام) است که از اصلی‌ترین راه‌های تقرب، زیارت آنان است چه آن‌گاه که در قید حیات ملکی هستند و چه زمانی که تنها امکان زیارت قبور مطهر آنان است.

از آنجاکه در روایات فراوانی از اهل بیت (علیهم‌السلام) به اهمیت زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) اشاره شده است، (حر عاملی، ۱۳۸۸ق، ج ۱۰، باب ۸۲ تا ۸۸ ابواب المزار) در این نوشتار، ابتدا (به عنوان نمونه در بین ائمه هدی) به ضرورت به موضوع معرفت و شناخت امام رضا (علیه‌السلام) پرداخته شده، سپس اهمیت زیارت

این امام همام و بایدها و نبایدهای این چارچوب مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

اهمیت زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا (علیه‌السلام)

مرقد مطهر حضرت امام رضا (علیه‌السلام) پس از شهادت ایشان زیارتگاه شیعیان و محبان اهل بیت (علیهم‌السلام) گردید. بی‌تردید، علاوه بر اشتیاق و محبت به آن حضرت، اسباب مهم دیگری بر شکوه و رونق این زیارتگاه افزود که تأکید ویژه اهل بیت (علیهم‌السلام) بر زیارت امام رضا (علیه‌السلام) و بیان فضایل و برکات آن یکی از مهم‌ترین اسباب این امر بود. برخی از این روایات پیش از شهادت امام رضا (علیه‌السلام) صادر شده است همچون روایاتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) امام باقر، امام صادق، امام کاظم و نیز از امام رضا (علیهم‌السلام) و برخی دیگر از ائمه بعدی همچون امام جواد و امام هادی (علیهم‌السلام) صادر شده است (همان، ج ۱۴: ۵۶۲-۵۵۵). لازم به ذکر است، در روایات متعددی از این اخبار پیوند اساسی امامت و زیارت و نیز معرفت به امام و لزوم اطاعت از وی و نیز رویارویی با فرقه‌های گمراه شیعه همچون اسماعیلیه، فتحیه و واقفیه را می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد. در اینجا تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

الف) امام صادق (علیه‌السلام) در روایتی فرمود: «أَلَا فَمَنْ زَارَهُ فِي غُرْبَتِهِ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ بَعْدَ أَبِيهِ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (ص)». (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۵۸۷-۵۸۸).

ب) امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: «إِنِّي سَأُقْتَلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا فَمَنْ زَارَنِي عَارِفًا بِحَقِّي غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ» (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۶۱؛ حرعاملی، ۱۳۸۸ق، ج ۱۴: ۵۵۸).

ج) امام رضا (علیه‌السلام) در روایتی فرمود: «لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَ اللَّيَالِي حَتَّى تَصِيرَ

طُوسٌ مُخْتَلَفٌ شِيعَتِي وَ زُوَارِي أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي بِطُوسٍ كَانَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ.» (همان، ج ۲: ۲۶۴؛ حرعاملی، ۱۳۸۸ق، ج ۱۴: ۵۵۹-۵۵۸).

د) ابن قولویه از حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) حدیثی نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «کسی که این فرزندم (اشاره به حضرت رضا) را زیارت کند، بهشت از آن اوست. محمد بن یعقوب و علی بن الحسین و غیر این دو از علی بن ابراهیم، از پدرش، از علی بن مهزیار وی گفت: محضر ابی جعفر (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! زیارت حضرت رضا (علیه السلام) افضل است یا زیارت ابی عبدالله حسین بن علی (علیهما السلام)؟ حضرت فرمودند: زیارت پدرم افضل است زیرا حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را هر گروهی از مردم زیارت می‌کنند، ولی پدرم را زیارت نمی‌کنند مگر شیعیان خاص و خالص ما (همان: ۹۲۶).

از دیرباز تاکنون نه تنها شیعه بلکه اهل سنت نیز به زیارت آن حضرت می‌آمدند. به عنوان نمونه، حاکم نیشابوری (۴۰۵ق) می‌گوید: از محمد بن مؤمل شنیدم: روزی با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه (۳۱۱ق) و ابوعلی ثقفی (۳۲۸ق) و جمعی از مشایخ خود به زیارت قبر علی بن موسی الرضا به طوس رفتیم در حالی که آنها بسیار به زیارت قبر ایشان می‌رفتند. محمد بن مؤمل گوید: احترام، بزرگداشت، تواضع، گریه و زاری ابن خزیمه نزد قبر علی بن موسی همگی ما را شگفت زده کرد (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۳۳۹). ابن حبان بُستی (۳۵۴ق) از بزرگان اهل سنت، در کتاب «الثقات» خویش می‌نویسد: «من به دفعات قبر ایشان را زیارت کرده‌ام. زمانی که در طوس بودم، هر مشکلی برایم رخ می‌داد، قبر علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) را زیارت و برای برطرف شدن مشکلم دعا می‌کردم و دعایم مستجاب و مشکلم حل می‌شد. این کار را به دفعات تجربه کردم و جواب گرفتم. خداوند ما را بر محبت مصطفی و اهل بیتش بمیراند.» (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸: ۴۵۷ - ۴۵۶). درباریان نیز علاقه و توجه خاصی به زیارت ایشان داشته‌اند همچون رکن الدوله که در رجب سال ۳۵۲ هجری به شیخ صدوق از زیارت خویش و برآورده شدن حوایج خویش در مرقد مبارک حضرت یاد کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۲۷۹).

مفهوم‌شناسی فرهنگ و نسبت زیارت با مهندسی فرهنگی

شایسته است پیش از ورود به بحث ارتباط زیارت با مهندسی فرهنگی، نگاهی اجمالی به مفهوم فرهنگ داشته باشیم. برخی از تعریف‌های فرهنگ بسیار گسترده است. در زبان فارسی «فرهنگ» واژه‌ای بسیط و به معنای ادب، تربیت، حکمت یا هنر است (نائینی، ۱۳۸۹: ۲۷)؛ چنان‌که عده‌ای «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر» را فرهنگ می‌دانند. بر اساس این تعریف، «فرهنگ از دو بُعد مادی و معنوی تشکیل شده است. فرهنگ مادی دلالت دارد بر کلیه ابزارها و وسایلی که توسط بشر ساخته شده و چگونگی بهره‌برداری از آنها؛ و فرهنگ معنوی به نهادها، باورها، ارزش‌ها و رسوم و میثاق انسان‌ها اشاره دارد.» (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۴۰۰). فرهنگ در مفهوم رایج آن به شیوه‌ها و روش‌های زندگی که افراد یک جامعه می‌آموزند و در آن مشارکت دارند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد، اطلاق می‌شود (کوئن، ۱۳۸۸: ۷۲).

در بعضی از کتاب‌ها و منابع، فرهنگ روش و شیوه زندگی و گذران امور تعریف شده است. در این دیدگاه «فرهنگ به نحوه زیستی گفته می‌شود که هر جامعه‌ای برای رفع نیازهای اساسی خود از حیث بقا، ادامه نسل و انتظام امور اجتماعی، اختیار می‌کند.» (روسک، ۱۳۵۰: ۹). استواری و ماندگاری جامعه به حفظ، تثبیت، پالایش، انتقال و ترویج فرهنگ بستگی دارد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۹).

در بعضی از منابع نیز فرهنگ را وجه ممیزه و شاخص زندگی نوع بشر و عامل بازشناسی افراد جوامع مختلف دانسته‌اند و می‌گویند فرهنگ مجموعه رفتارهای اکتسابی است که افراد یک جامعه را از جامعه دیگر متمایز می‌کند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۴۰۱).

باید فرهنگ را مجموعه‌ای از اجزای غیرمادی عینیت‌یافته در زندگی اجتماعی مردم دانست که هرچند دارای اجزای مختلف و گوناگون است، یک کل واحد را تشکیل می‌دهد. این کل واحد به اجتماعات انسانی هویت و به زندگی معنا می‌دهد و شیوه و نحوه زندگی کردن را تحت تأثیر و آن را شکل می‌دهد تا جایی که به‌عنوان شیوه و

چارچوب زندگی تلقی می‌شود. فرهنگ در این معنا به جامعه هویت می‌دهد و بدین جهت است که موجب وصل جامعه امروز به گذشته و آینده آن می‌شود.

اماکن متبرکه و از همه مهم‌تر، مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) ابزار و نهادی بسیار مؤثر در فرهنگ جامعه ایران به شمار می‌آیند و حوزه عمل و فعالیت آنها فرهنگ است. از این‌رو، مستقیم و بی‌واسطه با فرهنگ پیوند و ارتباط دارند. نتیجه این ارتباط و پیوند، برقراری رابطه متقابل بین زیارت و فرهنگ است. فرهنگ جامعه بر بستری فعالیت می‌کند که از عوامل مختلف مانند زیارت مرقد مطهر ایجاد شده است. پس این زیارت به شدت بر فرهنگ رایج در جامعه هدف تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که اساساً خارج از چارچوب‌های فرهنگی جامعه نمی‌توانند عمل کنند. آنها، تأثیرهای قدرتمندی دارند و فرهنگ جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) در ادوار مختلف تاریخی نه تنها منابع غنی فرهنگی بلکه نمایشگاهی از تجلی برخی از مهم‌ترین عناصر فرهنگی بوده است به طوری که با بررسی شاخصه‌های فرهنگی به کار رفته در این مکان شریف و مقدس می‌توان نمودار صعود و افول مظاهر و مفاهیم فرهنگی را ترسیم نمود. (اصفهانیان و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

وجوه مختلف مردم‌شناسی زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام)

از آن جهت که یکی از عناصر اصلی زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) حضور مردم است، موضوع زیارت می‌تواند از وجوه مختلف مردم‌شناسی نیز بررسی و مطالعه شود. زائر و زیارت پدیده‌هایی هستند که به جرات می‌توان از آنها به عنوان اهرم اصلی توسعه فرهنگ عمومی یاد کرد. مطالعه منابع تاریخی مختلف نشان می‌دهد شکل‌گیری و فرهنگ عمومی مردم از زمان شهادت امام رضا (علیه‌السلام) و خاک‌سپاری ایشان در مشهد به تدریج شروع و در دوره‌های بعدی تسریع شده است. عموماً در زمان حکمرانی حاکمان شیعه یا حاکمانی با گرایش شیعی، حضور مردم

به‌عنوان زوآر مرقد مطهر و توسعه فرهنگی زیارت مورد توجه قرار گرفته و از زمان حکومت صفوی تاکنون این روند و سرعت آن فزاینده بوده است.

مناسک زیارتی در اندیشه‌های انسانی برای پرورش اخلاق معنوی مردم جهت سعادت‌مندی و خیرخواهی همراه با تقویت، انسجام و وحدت دینی شکل می‌گیرد. لذا مناسک زیارت بستر بسیار مناسبی برای شناخت وجوه مختلف مردم‌شناسی و تعیین الگوهای رفتاری مناسب است. در حقیقت، مناسک زیارتی و الگوهای رفتاری سبب کاهش فاصله اجتماعی، احساس صمیمیت و همکاری بین افراد جامعه می‌شود. از بُعد دیگر، الگوهای رفتاری زیارت از طریق فرایند اجتماعی شدن الگوها و آداب زیارتی، آموزش داده می‌شود. این الگوهای رفتاری زیارت در فرهنگ دینی پدیده‌ای مطلوب و جزء ارزش‌ها و معیارهایی است که به فرهنگ دینی جامعه معنا می‌بخشد. زیارت به‌عنوان یک رفتار دینی دارای مقیاس است. در واقع، زیارت نماد و نشانه‌های دینی حاوی ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و نشانگر فرهنگ معنوی مردم در جامعه است. در انسان‌شناسی نمادین الگوهای زیارتی در قالب متون و آداب خاص و شبکه‌های معنایی تحلیل و تفسیر می‌شوند.

برای شناخت رویکرد و جنبه مردم‌شناسی زیارت باید به کارکرد روحی زیارت و تأثیر آن در آرامش روحی مردم اشاره کرد. مردم با حضور در مرقد مطهر و شرکت در مناسک آن، با آزاد کردن هیجان‌ها و احساسات خود، به آرامش روحی و قلبی می‌رسند و به اصطلاح سبک می‌شوند. زائران احساس می‌کنند یک قدرت مافوق بشری آنان را در مشکلات و رنج‌های زندگی و جهان دیگر یاری خواهد داد. لذا برای افزایش این عنایت و توجه، در مساجد حاضر می‌شوند و با آرامشی که به دست می‌آورند، با مشکلات برخورد و آنها را حل یا در برابر آن صبر می‌کنند و معتقدند که آن قدرت مافوق، به آنان در این راه کمک خواهد کرد. زائران با حضور در مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) تحت تأثیر مراسم مذهبی مختلفی که در طول سال برگزار می‌شود قرار می‌گیرند و پایه اخلاقی‌شان افزایش یافته، اقدام به کارهای خیر همانند نذری‌دادن یا کمک مالی می‌کنند و در جهت کمک به هموعان خود برمی‌آیند.

تأثیر زیارت امام رضا (علیه‌السلام) بر فرهنگ عمومی و انسجام اجتماعی

زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) در آموزه‌های اسلام و نزد مسلمانان، جایگاه والایی دارد. آثار پرخیر و برکت زیارت و تجربه احساس آرامش و نشاط معنوی که از آن پدید می‌آید، زائر را برای استمرار و تکرار این حرکت معنوی تشویق می‌کند. بر این اساس، گونه‌های مختلف تأثیر زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) در فرهنگ عمومی و انسجام اجتماعی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. در زیارت، شبکه عظیمی از افراد با فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرد که در تعامل مشترک با یکدیگرند و می‌توان وحدت رویه در بسیاری از شعایر را در آن مشاهده کرد که خود نمونه بارزی از حفظ نظم در جامعه را شامل می‌شود. سالانه ده‌ها میلیون نفر از مردم کشورمان به زیارت مرقد مطهر رضوی نایل می‌شوند. شعاع وجود مقدس اهل بیت (علیهم‌السلام) به قدری گسترده و فراگیر است که در طول قرون و اعصار متمادی، مرزها را در نوردیده، ملت‌ها و اقوام مختلف مسلمان را فارغ از تفاوت‌های مذهبی آنان در برگرفته و مجذوب خود کرده است. با اطمینان می‌توان گفت که حبّ اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره حلقه وصل مسلمانان به یکدیگر بوده و سبب تقریب هر چه بیشتر آنان به یکدیگر می‌شود. بنابراین، زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) بسترسازی لازم به‌منظور ایجاد وفاق و همدلی هر چه بیشتر بین مردم و نیز تقویت مؤلفه‌های همبستگی ملی میان زائران از قومیت‌های مختلف کشور است.

۲. مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) مکانی نورانی و مقدس است که در آن فرد در طول سفر صداقت و تزکیه نفس را در خود تقویت می‌کند و با درونی نمودن آن، سطح معنوی خود را ارتقا می‌دهد. افزایش سطح سلامت روانی، آرامش روحی و نشاط معنوی با بهره‌گیری از فضای مرقد مطهر رضوی امکان‌پذیر است. ارتقای هر چه بیشتر بار معنوی و معرفتی زیارت سبب ارتقای فضایل اخلاقی و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. لذا با بهره‌گیری از ظرفیت معنوی مرقد مطهر رضوی، این بخش

بُعدی از زیارت است که می‌تواند سلامت روانی و اعتماد اجتماعی را که شاخص اصلی سرمایه اجتماعی است، افزایش دهد. بدون شک، افزایش بار معنوی، معرفتی و محتوایی امر مقدس زیارت امری ضروری است که تحقق آن سبب بهره‌گیری هر چه بیشتر از این ظرفیت عظیم در جهت رشد فضایل اخلاقی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و بالندگی فرهنگ عمومی می‌شود.

۳. زنده نگاه‌داشتن دین و جاودانگی آن، رابطه‌ای تنگاتنگ با زیارت دارد، به‌گونه‌ای که سفر زیارتی به مکه، مدینه، کربلا و مشهد به کرات در روایت‌ها آمده و تکامل دینداری را در آن سنجیده‌اند. به همین منظور، لازم است مرقد مطهر رضوی به قطب و کانون فرهنگی، اعتقادی و معرفتی مردم تبدیل شود به‌گونه‌ای که با ارائه آموزش‌های فرهنگی، موجب زدودن پیرایه‌ها، بدعت‌ها و خرافات از حیطه زیارت گردد.

۴. در لایه‌های زیرین این احادیث می‌توان اصل یکپارچگی را یافت. اصل اساسی برای بقای حیات اجتماعی بشر، وجود مناسک خاص در زیارت چون لباس پاکیزه به تن داشتن، اهتمام به برپایی نماز جماعت، خواندن ادعیه به صورت دسته‌جمعی و تفکر در آنچه ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به سبب آن به شهادت رسیده‌اند، از مواردی است که در گام بعد، به زنده‌نگاه‌داشتن آیین و ترغیب مردم به حفظ و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر بسیار تأثیرگذار است. این مهم به‌دست نمی‌آید مگر با تعمیق فرهنگ عمل به احکام اسلامی با ایجاد سازوکارهای مناسب آموزشی در مرقد رضوی.

۵. یکی از ویژگی‌های خاص زیارت، محدودنبودن آن به یک طبقه خاص اجتماعی است؛ یعنی فضایی ایجاد می‌شود که تمامی افراد با سطوح مختلفی از فرهنگ در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و به تبادل فرهنگی و آشنایی با دیگر فرهنگ‌ها و رسوم و پوشش می‌پردازند و نوعی وام‌گیری فرهنگی را تجربه می‌کنند. با نگاهی گذرا و جامعه‌شناختی به زائران می‌توانیم شاهد تعداد کثیری از مردم با دو طبقه متضاد اجتماعی، ساعت‌ها در کنار هم در محیط زیارتگاه قرار می‌گیرند و بدون توجه

به پایگاه اجتماعی خود، تعاملی صمیمانه دارند.

۶. تأثیرگذاری و هنجارآفرینی زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان واقعیت‌های زنده اجتماعی، محدود و متوقف بر زمان و مکان خاصی نیست. به عبارت دیگر، آثار فردی و اجتماعی و الزام‌هایی که مراسم و مناسک در قالب پاداش و تنبیه برای انسان‌ها آماده می‌کنند، برای همه دوره‌های زمانی است. به‌طور کلی، تأثیرها و الزام‌های مراسم و مناسک را می‌توان در دو سطح فردی و جمعی بررسی کرد.

تأثیرهای فردی عبارتند از: دوری از کجروی اجتماعی، الگوپذیری، کسب آرامش درونی، افزایش مسئولیت فردی، نظم‌پذیری، آمادگی برای فداکاری، درونی‌شدن هنجارها و ارزش‌های دینی. این کارکردها برای هر زائری در هر زمانی حاصل خواهد آمد. این آثار فردی به انسان‌های خاص در زمان خاص محدود نیست. برخی از تأثیرهای جمعی زیارت عبارتند از: همبستگی اجتماعی، وفاق اجتماعی، بازیابی هویت جمعی، ایجاد پیوندهای فرانسلی.

بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی زیارت مرقد مطهر حقیقت باطنی قرآن، امام رضا (علیه‌السلام)

امام رضا (علیه‌السلام) حقیقت باطنی قرآن است و خود را مخاطب همه آیات قرآن کریم می‌بیند و علوم، علو و سربلندی خویش را در بندگی خالص برای خداوند متعال به دست آورده است، زیرا ذات مقدس نورانی حضرت همتای قرآن کریم است که خداوند درباره آن فرموده است: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ، فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ، لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه ۷۹-۷۷).

فردی خدمت امام رضا (علیه‌السلام) عرض کرد: به خدا سوگند، در روی زمین از نظر نیاکان و نسب، کسی از شما برتر نیست. امام به آن مرد فرمودند: «تقوا به آنان برتری داد و فرمانبرداری خدا آنان را به آن پایه و مقام رسانید.» (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج

۲: ۲۳۶). لذا رفتار، گفتار و تمام زوایای زندگی امام رضا (علیه‌السلام) تفسیر واقعی از آیات الهی است که انسان را به مراد و مقصود از نزول آیات الهی رهنمون می‌سازد. بر اساس اعتقادات قطعی شیعه، امام، معصوم و مبرّا از هر گونه معصیت و گناهی است و از طرف دیگر قرآن هم به شهادت آیاتش، معصوم و مبرّا از هر گونه اختلاف و تناقض بوده و معصوم است: «...وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ...» (فصلت/۴۱ و ۴۲). بدین ترتیب، تنها امام معصوم می‌تواند کتاب معصوم را تفسیر و تبیین کند؛ لذا قرآن مفسّر امام و امام مفسّر قرآن است. «امام قرآن ناطق و عینی است که قرآن مصحفی و علمی را - که مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاق و اعمال است - در گفتار و کردار تجلی بخشیده و انسان کاملی است که قرآن ممثل است؛ بنابراین، اخذ به هر کدام بدون دیگری به معنای ترک هر دو است.» (جوادی آملی، ۱۴۰۶ق: ۱۸).

با عنایت به مراتب یاد شده، به ذکر آیاتی از قرآن کریم می‌پردازیم که به مباحث بسیار مهمی پرداخته و آداب ارتباط و گفتگو و زیارت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و به تبع آن اهل بیت (علیهم‌السلام) را به‌وضوح بیان می‌کند. خداوند متعال در ابتدای سوره حجرات که به سوره «اصول اخلاقی» معروف است، می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ؛ إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ؛ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ.» (حجرات، ۵-۲) تفسیر نمونه می‌نویسد: جمله اول (لا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ) اشاره به این است که صدا را بلندتر از صدای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نکنید، که این خود یک نوع بی‌ادبی در محضر مبارک اوست. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که جای خود دارد؛ این کار در برابر پدر و مادر و استاد و معلم نیز مخالف احترام و ادب است. بدیهی است، اگر این‌گونه اعمال به قصد توهین به مقام شامخ نبوت باشد موجب کفر است و بدون آن ایذاء و گناه. در صورت اول علت حبط و نابودی اعمال

روشن است، زیرا کفر علت حبط (از میان رفتن ثواب عمل نیک) می‌شود.

آیه بعد برای تأکید بیشتر روی این موضوع، پاداش کسانی را که به این دستور الهی عمل و انضباط و ادب را در برابر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رعایت می‌کنند، چنین بیان می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ.»

«یغضون» از ماده «غض» (بر وزن حظ) به معنای کم کردن و کوتاه نمودن نگاه یا صداست و نقطه مقابل آن خیره نگاه کردن و صدا را بلند نمودن است. قابل توجه اینکه در آیه قبل تعبیر به «تبی» شده و در اینجا به «رسول الله» و هر دو گویا اشاره به این نکته است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از خود چیزی ندارد، او فرستاده خدا و پیام آور اوست، اسائۀ ادب در برابر او اسائۀ ادب نسبت به خداست و رعایت ادب نسبت به او رعایت ادب نسبت به خداوند است.

به هر میزان که سطح عقل و خرد انسان بالاتر می‌رود، به ادب او افزوده می‌شود، زیرا «ارزش‌ها» و «ضد ارزش‌ها» را بهتر درک می‌کند. به همین دلیل، بی ادبی همیشه نشانه بی‌خردی است. گویی خداوند با این تعبیر می‌فرماید: من که پروردگار شما هستم و به همه چیز احاطه علمی دارم، به‌هنگام سخن گفتن آداب را رعایت می‌کنم؛ شما چرا رعایت نمی‌کنید؟

و یا اینکه به‌راستی در میان آنها افراد عاقلی بوده‌اند که روی بی‌توجهی و یا عادت همیشگی صدا را بلند می‌کردند. قرآن از این طریق به آنان هشدار می‌دهد که عقل و فکر خود را به‌کار گیرند و ادب را فراموش نکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۲: ۱۳۴).

نکته‌ها

۱. ادب برترین سرمایه است. در اسلام اهمیت زیادی به مسئله رعایت آداب و برخورد

توأم با احترام و ادب با همه کس و هر گروه، وارد شده است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «الاداب حلل مجدده» (رعایت ادب همچون لباس فاخر و زینتی و نو است) (نهج‌البلاغه، حکمت ۵).

دین مجموعه‌ای از آداب است: ادب در برابر خدا، ادب در مقابل پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام)، ادب در مقابل استاد و معلم و پدر و مادر، و عالم و دانشمند. حتی دقت در آیات قرآن مجید نشان می‌دهد خداوند با آن مقام عظمت، هنگامی که با بندگان خود سخن می‌گوید: آداب را کاملاً رعایت می‌کند. جایی که چنین است، تکلیف مردم در مقابل خدا و پیغمبرش روشن است. دربارهٔ پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز این موضوع تا آن حد مهم است که قرآن به‌صراحت در آیات فوق می‌گوید صدا را بلندتر از صدای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) کردن و در مقابل او جار و جنجال راه انداختن، موجب حبط اعمال و از بین رفتن ثواب است.

در آیهٔ ۶۳ سوره نور نیز می‌خوانیم: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» که جمعی از مفسران آن را چنین تفسیر کرده‌اند: «هنگامی که پیامبر را صدا می‌زنید، با ادب و احترامی که شایسته اوست صدا کنید، نه همچون صدازدن یکدیگر».

جالب اینکه قرآن در آیات فوق رعایت ادب در برابر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را نشانهٔ پاکی قلب و آمادگی آن برای پذیرش تقوا و سبب آمرزش و اجر عظیم می‌شمرد، در حالی که بی‌ادبان را همچون چهارپایان بی‌عقل معرفی می‌کند. حتی بعضی از مفسران آیات مورد بحث را توسعه داده و گفته‌اند مراحل پایین‌تر، مانند علما و دانشمندان و رهبران فکری و اخلاقی را نیز شامل می‌شود که مسلمانان موظفند در برابر آنان نیز آداب را رعایت کنند.

این مسئله در برابر امامان معصوم (علیهم‌السلام) روشن‌تر است. در روایاتی که از اهل بیت (علیهم‌السلام) به ما رسیده است، می‌خوانیم: «هنگامی که یکی از یاران با حالت جنابت خدمت‌شان رسید، امام (علیه‌السلام) بدون مقدمه فرمود: «أما تعلم

انه لا ینبغی للجنب ان یدخل بیوت الانبیاء؟» (نمی‌دانی که سزاوار نیست جنب وارد خانه پیامبران شود؟) (مجلسی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۷: ۲۵۵).

در روایتی دیگر تعبیر به «انّ بیوت الانبیاء و اولاد الانبیاء لا یدخلها الجنب» شده است، که هم خانه پیامبران را شامل می‌شود و هم خانه فرزندان آنان را.

رعایت آداب زیارت در کنار مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام)

جمعی از علما و مفسران گفته‌اند آیات مورد بحث همان‌گونه که از بلندکردن صدا نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در زمان حیاتش منع می‌کند، بعد از وفاتش را نیز شامل می‌شود. اگر منظور آنها شمول عبارت آیه است، ظاهر آیه مخصوص زمان حیات رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، زیرا می‌گوید: «صدای خود را برتر از صدای او نکنید» و این در حالی است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) حیات جسمانی داشته باشد و سخن بگوید. ولی اگر منظور مناظ و فلسفه حکم است که در این گونه موارد روشن است و اهل عرف الغای خصوصیت می‌کنند، تعمیم مذکور بعید به نظر نمی‌رسد، زیرا مسلم است هدف در اینجا رعایت ادب و احترام نسبت به ساحت قدس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است، بنابراین هرگاه بلندکردن صدا در کنار قبر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نوعی هتک و بی‌احترامی باشد بدون شک جایز نیست، مگر اینکه به صورت اذان نماز، یا تلاوت قرآن، یا ایراد خطابه و امثال آن بوده باشد که در این گونه موارد، نه در حیات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ممنوع است و نه در ممات او.

در حدیثی در «اصول» کافی از امام باقر (علیه‌السلام) درباره ماجرای وفات امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) و ممانعتی که از سوی عایشه در زمینه دفن آن حضرت در جوار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به عمل آمد و سر و صداهایی که بلند شد، می‌خوانیم: امام حسین (علیه‌السلام) به آیه «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ

النَّبِيِّ» استدلال فرمود و از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این جمله را نقل کرد:

«ان الله حرم من المؤمنین امواتا ما حرم منهم احياء.» (خداوند آنچه را از مؤمنان در حال حیات تحریم کرده در حال ممات هم حرام کرده است) (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲۲: ۱۳۴ - ۱۴۶).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» می‌نویسد: منظور از اینکه می‌فرماید: صدای خود را بلندتر از صدای رسول الله نکنید، این است که وقتی با آن جناب صحبت می‌کنید، صدایتان بلندتر از صدای آن جناب نباشد، چون - به‌طوری که گفته‌اند (به‌نقل از طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۱۳۰) - دو عیب در این عمل هست: یا منظور شخصی که صدای خود را بلند می‌کند این است که توهینی به آن جناب کرده باشد، که این کفر است؛ و یا منظوری ندارد و تنها شخصی بی‌ادب است که رعایت مقام آن جناب را نمی‌کند، و این خلاف دستور است، چون مسلمانان دستور دارند آن جناب را احترام و تعظیم کنند.

می‌فرماید: «وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ» با آن جناب آن طور که با یکدیگر صحبت می‌کنید داد و فریاد نکنید، چون رعایت احترام و تعظیم آن جناب اقتضا دارد در هنگام مخاطب گوینده صدایش کوتاه‌تر از صدای آن حضرت باشد. پس به‌طور کلی، با صدای بلند صحبت کردن فاقد معنای تعظیم است و با بزرگان به صدای بلند صحبت کردن، نظیر مردم عادی، خالی از اسائه ادب و وقاحت نیست.

«إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى...» سیاق این آیه سیاق وعده‌جمیلی است در برابر آهسته‌کردن صدا پیش روی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بعد از آنکه مؤمنین را توصیف می‌کند به اینکه خداوند دل‌هایشان را برای تقوا تمرین داده. و این خود تأکید و تقویتی است برای مضمون آیه قبلی تا مؤمنین را تشویق کند به اینکه نهی در آن آیه را عمل کنند. و در اینکه در این آیه از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تعبیر کرد به «رسول الله» و در آیه قبلی تعبیر کرد به «نبی» اشاره‌ای است به ملاک حکم، خواسته بفهماند شخص

رسول بدان جهت که رسول است هر قسم رفتاری که با آن جناب بشود با مرسل و فرستنده او شده است، اگر او را تعظیم و احترام کنند خدا را احترام کرده‌اند، پس آهسته سخن گفتن نزد او، احترام و تعظیم و بزرگداشت خداوند است و مداومت بر این سیره - که از کلمه «یغضون» استفاده می‌شود - چون مضارع استمرار را می‌رساند، کاشف از این است که این کسانی که چنین ادبی دارند تقوا خلق آنان شده و خدا دل‌هایشان را برای تقوا تمرین داده است. (طباطبائی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۸: ۴۶۲ - ۴۵۹).

مرحوم طبرسی در ذیل تفسیر آیه: «وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ» می‌نویسد: «صدای خود را آن‌گونه که بعضی از شما برای بعضی بلند می‌کنید، برای آن حضرت بلند نکنید. آیه دلالت دارد که مسلمانان نهی شده‌اند از اینکه صدای خود را در محضر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بلند کنند به‌گونه‌ای که در میان خودشان عادت کرده بودند؛ به این معنا که مراعات شکوه و جلال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را نکنند.» (طبرسی، ۱۳۷۷ق، ج ۶: ۸۵).

از بیان گذشته به‌خصوص با توجه به اینکه در این آیه به نبی تعبیر شده که جنبه نبوت و تعلیم و تربیت جامعه بشر رعایت گردیده، استفاده می‌شود که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از نظر جنبه نبوت و تعلیم و بناگذاری مکتب عالی او و نیز از نظر ولایتی که بر عموم دارد، مقام او را قیاس به سایر طبقات نباید نمود. با اینکه فریادزدن هنگام گفتگو امر عادی و مباح است، درباره عموم مردم و همچنین نام کسی را در خطاب به کار بردن امری عادی است؛ ولی درباره رسول باید از ذکر نام و خطاب به او خودداری نمود جز به‌عنوان رسالت و نبوت و گفته شود یا رسول‌الله ولی نسبت به مقام رسالت که اولی به تصرف و سمت تعلیم و تربیت جامعه اسلام را دارد، فریادزدن و جهر در سخن با او هتک شناخته شده و سبب اذیت خاطر قدس اوست. بدین جهت، به‌طور حتم وسیله خروج از حریم اسلام خواهد بود و بدین تقریب، نسبت به اوصیای طاهرین (علیهم‌السلام) نیز صادق است به‌خصوص با توجه به عنوان نبی که در آیه قید شده که جنبه تعلیم و تربیت رعایت شده و اوصیای طاهرین (علیهم‌السلام) در این سمت شرکت دارند.

قطعاً بر اساس آیات فوق، همان‌طور که در حرم مطهر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) باید آداب زیارت و حرمت حریم ایشان حفظ و رعایت شود، در حریم حرم فرزندان معصوم آن حضرت نیز باید به دقت آداب زیارت و حرمت حریم‌شان حفظ و رعایت گردد.

علت ضرورت حفظ شئون اهل بیت (علیهم‌السلام)

یکی از دلایل مهم برای ضرورت رعایت آداب زیارت امام رضا (علیه‌السلام) و تلاش برای ارتقای فرهنگ صحیح و درست زیارت، روایتی است که در ادامه ارائه می‌شود و در آن امام صادق (علیه‌السلام) به‌صراحت شمول و جامعیت علم امام را هم در حیات و هم در ممات ائمه اطهار (علیهم‌السلام) یادآوری می‌کند تا بهترین دلیل و حجت برای ضرورت توسعه مبانی فرهنگی و اجتماعی زیارت مرقد مطهر رضوی باشد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «قلوب و دل‌های ما غیر از دل‌های مردم است. ما مطیع کامل حق تعالی و خالص از هر آلودگی بوده و برگزیده باری تعالی هستیم. می‌بینیم آنچه را که مردم نمی‌بینند؛ می‌شنویم آنچه را که دیگران نمی‌شنوند؛ فرشتگان در منازل ما فرود می‌آیند و در روی فرش‌های ما حرکت کرده و در کنار سفره ما حاضر و شاهد هستند؛ بر مردگان ما حاضر می‌شوند و اخبار حوادثی را که هنوز واقع نشده‌اند، به ما می‌رسانند. با ما نماز می‌خوانند و برای ما دعا می‌کنند... هیچ روز و ساعت و وقت نمازی نیست مگر آنکه فرشتگان برای آنها آماده‌اند؛ و هیچ شبی فرا نمی‌رسد مگر آنکه اخبار تمام نقاط زمین را برای ما می‌آورند و نیز آنچه را که در زمین واقع می‌شود و اخبار جن و ملائکه را برای ما بازگو می‌کنند.» (ابن قولویه، ۱۳۷۷: ۹۸۹ - ۹۸۶)

یقیناً تلاش‌هایی که در توسعه فرهنگ صحیح زیارت و مبانی فرهنگی زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) صورت گرفته و یا خواهد گرفت، مشمول این حدیث است که امام رضا (علیه‌السلام) فرمودند: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ

يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۳۰۷؛ همان: ۱۸۰) زیرا گسترش مبانی فرهنگی زیارت امام رضا (علیه السلام) از مصادیق علومی است که از آن امام همام به جای مانده است و تلاش در این راه مشمول رحمتی خواهد بود که در این حدیث بدان وعده داده شده است.

نتیجه گیری

محبت و موَدّت زایدالوصف شیعیان به اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه عشق و محبت شیعیان به بارگاه مقدس رضوی و زیارت امام رضا (علیه السلام) زمینه بسیار مساعدی برای فرهنگ پذیری ناب قرآنی و اهل بیته ایحاد می کند که برنامه ریزی و اجرای آموزش های معرفت افزای فراگیر نسبت به جایگاه و شأن امام رضا (علیه السلام) قطعاً موجب رشد و تعالی فرهنگی زائران، خشنودی اهل بیت (علیهم السلام) و کسب رضایت و توفیق الهی است. بر همین اساس، این مقاله در بخش اول، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات مأثوره، ضرورت کسب معرفت و شناخت امام معصوم را تبیین نمود و سپس معرفت حقیقی نسبت به شأن و جایگاه امام رضا (علیه السلام) را از لوازم اصلی و حیاتی آداب زیارت آن حضرت برشمرد. با توجه به اهمیت موضوع معرفت حقیقی نسبت به امام معصوم، یکی از راه های ایجاد این شناخت، انس و قربت یافتن با ائمه هدی (علیهم السلام) است که از اصلی ترین راه های تقرّب، زیارت آنان است. لذا، بخشی از متن پژوهش حاضر به اهمیت زیارت و تعامل دوسویه آن با معرفت افزایی نسبت به ساحت مقدس امام رضا (علیه السلام) اختصاص یافت.

این پژوهش کوشید تا با رویکرد قرآنی و حدیثی، معرفت و شناخت امام رضا (علیه السلام) را به عنوان اولین و ضروری ترین گام در ارتقای فرهنگ زیارت آن حضرت تبیین و با استناد به روایات متعدد، زیارت مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) را فرصتی مناسب برای کسب معارف علمی و دینی معرفی کند. بررسی ارتباط زیارت

با مهندسی فرهنگی و تشریح وجوه مختلف مردم‌شناسی زیارت و تأثیر زیارت بر فرهنگ عمومی و انسجام اجتماعی و بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی زیارت مرقد رضوی (علیه‌السلام) و رعایت آداب زیارت در کنار مرقد مطهر امام رضا (علیه‌السلام) نیز در قالب چندین نکته مهم و با ذکر شواهد قرآنی و روایی، مورد تأکید است. بر مبنای این پژوهش، هرگونه تغییر و تحول مثبت در حوزه ارتقای فرهنگ زیارت مرقد رضوی مبتنی بر ارائه آموزش‌های معرفت‌افزاست تا بدین‌وسیله بایسته‌های این زیارت، چنان‌که شایسته ساحت مقدس امام رضا (علیه‌السلام) است، مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۴). مترجم: محمد دشتی. قم: میراث ماندگار.
- آقا جمال خوانساری. محمد بن حسین. (۱۳۶۰). شرح غرر الحکم و درر الکلم. تصحیح و تعلیق: میر جلال الدین حسینی ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن الحسین. (۱۳۹۸ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۶۱). معانی الاخبار. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
- _____ (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا (ع). مترجم: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری.
- چاپ اول. تهران: صدوق.
- _____ (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۱۴ق). من لا یحضره الفقیه. چاپ سوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- _____ (۱۳۷۹ق). معانی الاخبار. قم: جامعه مدرسین.
- ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان. (۱۳۹۳ق). الثقات. هند: مجلس دائرة المعارف العثمانية بحیدرآباد الدکن. مؤسسة الكتب الثقافية.
- ابن حجر، احمد بن علی بن حجر عسقلانی. (۱۴۰۴ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دار الفکر.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (۱۳۷۷). کامل الزیارات. مترجم: محمد جواد ذهنی تهرانی. تهران: انتشارات پیام حق.
- ابوالحسنی (منذر)، علی. (۱۳۸۰). «الغدیر» در دانشنامه امام علی (ع). زیر نظر علی اکبر رشاد. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اصفهانیان، کریم و دیگران. (۱۳۸۵). اسناد تاریخی خاندان غفاری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- امینی، عبدالحسین. (۱۳۹۷ق). الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب. بیروت: دارالکتب العربی.
- یرقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- بنیانیان، حسن. (۱۳۸۵). مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل. تهران: همایش ملی مهندسی فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۰۶ق). امام علی بن موسی الرضا (ع). صحیفه الرضا. انتشارات کنگره جهانی امام رضا (ع).
- حاجی ده آبادی، محمد علی. (۱۳۸۵). مدیریت فرهنگی. چاپ سوم. قم: هاجر.
- حسینی الهمدانی، سید محمد. (۱۳۸۰). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تهران: کتابفروشی لطفی.
- حر، سید حسین. (بی تا). امام رضا (ع) و ایران. تهران: دفتر نشر معارف.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی. (۱۳۸۸ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- دیلمی، شیخ حسن. (۱۳۷۷). ارشاد القلوب الی الصواب. مترجم: سید عبدالحسین رضائی. تهران: اسلامیه.
- روسک، جوزف. (۱۳۵۰). مقدمه ای بر جامعه شناسی. مترجم: احمد رضا عزوی زاد. تهران: جهاد دانشگاهی.
- شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۷). دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.

- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبری آملی، عمادالدین ابوجعفر. (۱۴۲۰ق). *بشارة المصطفی لشبعة المرتضى*. به کوشش: جواد قیومی اصفهانی. قم: مؤسسه‌النشر الاسلامی.
- طبرسی، امین‌الدین ابوعلی‌الفضل بن‌الحسن. (۱۳۷۹ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- طبرسی، فضل بن‌حسن. (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن‌الحسن. (۱۴۱۴ق). *الامالی*. تحقیق: مؤسسه‌البعثه. قم: دارالتقافه.
- عبدالباقی، محمدفؤاد. (۱۳۶۹). *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*. چاپ نهم. تهران: اسماعیلیان.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. (۱۳۶۲ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. مترجم: محسن ثلاثی. چاپ هجدهم. تهران: توتیا.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۵). *میزان الحکمه*. چاپ اول. قم: دارالحدیث.
- فیض کاشانی، محسن. (۱۹۸۳). *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری صفت. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- قمی، عباس. (۱۴۱۴ق). *سفینه البحار و مدینه‌الحکم والآثار*. قم: اسوه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۵ق). *بحار الانوار*. چاپ دوم. قم: انتشارات المکتبه‌الاسلامیه.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۶۵). *جامعه‌شناسی پزشکی*. تهران: طهوری.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نائینی، علی محمد. (۱۳۸۹). *درآمدی بر مدیریت فرهنگی*. تهران: ساقی.
- نیم‌کف، برن. (۱۳۴۹). *زمینه جامعه‌شناسی*. مترجم: امیرحسین آریان‌پور. تهران: آوازه.